



# می نویسم، پس هستم!

● لیلی رحیم زاده  
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

## اشاره

پژوهش دانش‌آموزی دغدغه‌ی همه‌ی افرادی است که موضوع یادگیری معنادار در فراگیرندگان را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهند. آموزگاران که بیش از تمام کردن کتاب به زندگی دانش‌آموزان خود می‌اندیشند و پیش از هر اقدامی در این اندیشه هستند که چگونه لذت یادگیری را دوچندان کنند و آموزه‌های مدرسه را با زندگی یکایک دانش‌آموزان خود پیوند دهند. در سلسله مقالات حاضر، تلاشی بر این است که از دریچه‌ی ذهن چنین آموزگاران به موضوع پژوهش دانش‌آموزی نگر بیسته شود و این موضوع به زبانی ساده و کاربردی بیان شود تا تفکر پژوهشی بیش از گذشته به کلاس‌های درس قدم بگذارد. در شماره‌ی گذشته به دو نوع پژوهش با توجه به شرایط دانش‌آموزان در ابتدای سال تحصیلی اشاره شد. نمونه‌های گذشته مبتنی بر مهارت‌های پژوهشی و آسان‌سازی کاربرد آن با اتکا به شرایط و روال طبیعی دانش‌آموزان بود. در ادامه‌ی همین نگاه، به نمونه پژوهش‌های دیگر اشاره می‌شود.

قسمت دوم

## خلاصه‌ی یک اقدام پژوهی

پیش‌تر برای آماده‌سازی ذهن خود با نمونه پژوهش حاضر به خلاصه‌ای از یک اقدام پژوهی که به وسیله‌ی یک معلم پژوهنده انجام شده است، توجه کنید.

«در ابتدای هر سال تحصیلی آرزوی کردم با دانش‌آموزانی روبه‌رو شوم که مستقل باشند و بتوانند بدون درخواست کمک و راهنمایی گام به گام از من یا خانواده‌هایشان، دست‌کم از عهده‌ی انجام دادن امور تحصیلی خود برآیند. چنین انتظاری تا سال گذشته چندان محال و دور از دسترس نبود؛ زیرا از دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم انتظار می‌رفت که بتوانند چنین ویژگی‌هایی را داشته باشند. هرچند چنین آرزویی هرگز برآورده نشد اما حتی داشتن این امید امسال شدنی نبود. حالا چطور می‌توانم توقع داشته باشم که دانش‌آموزان پایه‌ی دوم که حالا ناچار به تدریس در کلاس آن‌ها شده‌اند، بتوانند مستقل و مسلط از عهده‌ی انجام امور تحصیلی و یادگیری خود برآیند.

این ناامیدی، تأثیر نامطلوبی در عملکرد من گذاشته بود. اما یک آموزش صحیح و یک اتفاق، تمام باورهای نادرست مرا به نیرو و انرژی برای حرکت سازنده و رو به جلو تبدیل کرد. در یکی از جلسات شورای معلمان، استادی

بیباید و آن را دنبال کند. زیباترین و مؤثرترین اقدامات به نوع تعیین تکلیف مربوط می‌شد. دانش‌آموزان من می‌توانستند از راه‌های گوناگون تکلیف خود را انجام دهند و البته هربار باید احساس خود را نیز بیان می‌کردند و به این ترتیب، با مناسب‌ترین راه یادگیری خود آشنا می‌شدند. من آموخته بودم که چگونه می‌توانم به دانش‌آموزی در این سن آموزش دهم تا به دنبال کشف راه یادگیری خود باشد و بالاخره هم موفق شدم. دانش‌آموزانم تا پایان سال به کلی تغییر کردند و من به شیرین‌ترین تجربه‌ی

به مدرسه‌ی ما دعوت شد که از هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری و کاربرد آن در کلاس درس سخن می‌گفت. به عقیده‌ی او که مبتنی بر تجربه‌ی شخصی و نیز نتایج ده‌ها پژوهش بود، دانش‌آموزان می‌توانند به افرادی تبدیل شوند که خود راه یادگیری را می‌یابند و از آن لذت می‌برند. این همان چیزی بود که من به دنبال آن بودم. مشتاقانه به ثبت و البته کسب تجربه در این مورد پرداختم و نتیجه نشان داد که حتی از یک دانش‌آموز هشت ساله هم می‌توان انتظار داشت، خود راه یادگیری‌اش را





معلمی خود دست یافتم؛ زیرا آن‌ها می‌توانستند هر مطلب را متناسب با توان و علاقه‌ی خود یاد بگیرند و این یعنی گامی دیگر در تحقق رسالت معلمی من.»

آنچه خواندید تجربه‌ی معلمی است که تلاش کرده، دانش‌آموزان را با یادگیری و شیوه‌های متناسب آن بیشتر آشنا سازد. این در حالی است که در این راه بهره‌گیری از مهارت‌های پژوهشی، اجتناب‌ناپذیر است. برای آنکه دانش‌آموز بتواند مسیر مناسب یادگیری خود را تشخیص دهد، ناگزیر به کاربرد مهارت‌های پژوهشی همچون مشاهده، فرضیه‌سازی و آزمون فرضیه، نتیجه‌گیری و نیز جمع‌آوری اطلاعات است. همچنین این توانمندی‌ها می‌تواند در دل فعالیت‌هایی که به‌وسیله‌ی معلم تعیین می‌شود، تقویت شود و رشد یابد.

اما چگونه فعالیت‌ها تعیین و ارائه می‌شوند و چگونه دانش‌آموزان از این طریق به کاربرد مهارت‌های پژوهشی خود هدایت می‌گردند؟ این سؤالاتی است که در نمونه‌ی زیر به آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

### نمونه پژوهش دانش‌آموزی: «یادگیری من»

یکی از بخش‌های مؤثر و تکرار شدنی در فرایند یاددهی - یادگیری، انجام تمرین و تکلیف به‌وسیله‌ی دانش‌آموزان است. با این نیت که آنان بهتر و بیشتر بیاموزند و بتوانند مسائل مانع در یادگیری خود را شناسایی و مرتفع کنند.

اما تکلیف آموزشی، از شیوه‌ی ارائه تا شرح انجام دادن آن به‌دست دانش‌آموز می‌تواند بر یک محور از منفی تا مثبت، تنوع و گوناگونی داشته و البته از تأثیرگذاری‌های مختلفی هم بهره‌مند باشد. برای مثال، ممکن است آموزگار از دانش‌آموزان خود بخواهد تا برای انجام تکلیف، صفحه‌ی معینی از کتاب درسی را باز کنند و مسئله‌ی مندرج در آن را روی برگه یا

کردن آن برای دانش‌آموز شود. بر این اساس، یکی از پیشنهادها در ارائه‌ی تکلیف توجه به هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری در دانش‌آموزان مبتنی بر توانمندی‌های پژوهشی آنان است. چون در اینجا امکان پرداختن کامل به موضوع هوش‌های چندگانه نیست، با ذکر نمونه‌ای عملی تکلیف مبتنی بر هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، به اشاره‌ای بسنده می‌کنیم و از خوانندگان می‌خواهیم کسب اطلاعات بیشتر متون و کتاب‌هایی با موضوع هوش‌های یادگیری را مطالعه کنند.

کلاس درسی را تصور کنید که آموزگار بعد از انجام دادن فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان در کلاس، از آن‌ها می‌خواهد به فهرستی از تکلیف که به لحاظ ماهیت انجام دادن آن کاملاً متنوع و گوناگون بوده اما به لحاظ موضوع و هدف یادگیری یکسان است، توجه کنند. او از بچه‌ها می‌خواهد تا به‌دقت به هر تکلیف فکر کنند و مناسب‌ترین تکلیف را که بیشتر به آن‌ها تمایل دارند و یا توانایی‌شان در آن زمینه بیشتر است، برگزینند. در این فهرست آمده است:

\* به مسئله‌ی صفحه‌ی ... کتاب خود توجه کن. متن مسئله را بخوان. براساس متن، یک داستان یا رویداد کوتاه بنویس و سپس مسئله را حل کن.  
\* به مسئله‌ی صفحه‌ی ... کتاب خود

در دفتر خود حل کنند و به کلاس بیاورند یا اینکه از روی یک درس و سؤالات آن بخوانند و برای جلسه بعد آماده برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های معلم به کلاس بیایند.

در نمونه‌های اشاره شده، هیچ خلاقیت و تدبیری از سوی معلم دیده نمی‌شود. از نگاه چنین معلمی دانش‌آموزان هیچ‌گونه تفاوتی ندارند. همه یکسان و به یک شیوه یاد می‌گیرند و تنها ممکن است دانش‌آموزی در خواندن از روی درس نسبت به دیگران نیازمند تمرین بیشتری باشد.

در چنین شرایطی از خود می‌پرسیم جای طراحی آموزشی کجاست. چگونه معلم می‌تواند نقش مؤثر و مفیدی را در جریان یادگیری دانش‌آموزان در این مرحله ایفا کند؟ آیا صرفاً تعیین یک راه برای تکرار و تمرین به‌وسیله‌ی معلم برای دانش‌آموزان کافی است؟ در این صورت چرا در برنامه‌های آموزشی، به این بخش از فرایند یاددهی - یادگیری، توجه خاصی می‌شود؟

بدیهی است در شرایط حاضر، جایگاه معلم بیش از آن چیزی است که در رویکرد معلم‌محوری و مکاتب مبتنی بر رفتارگرایی انتظار می‌رفته است. معلم می‌بایست به‌عنوان طراح آموزشی در هر بخش از مسیر یادگیری دانش‌آموز، نقش رهبری خود را تکمیل کند و موجب تعمیق و ماندگاری و نیز معنادار

توجه کن. متن مسئله را بخوان. حالا چیزی را که از آن متوجه می‌شوی، روی یک برگه نقاشی کن. بعد در کنار نقاشی، مسئله را حل کن.

\* به مسئله‌ی صفحه‌ی... کتاب خود توجه کن. متن مسئله را بخوان. آیا می‌توانی با کشیدن یک نمودار به درک بهتر مسئله کمک کنی؟ در این صورت نمودار را بکش و در کنار آن مسئله را حل کن.

\* به مسئله‌ی صفحه‌ی... کتاب خود توجه کن. متن مسئله را بخوان. ساختن یک وسیله‌ی ساده می‌تواند موجب حل راحت‌تر مسئله شود. اگر تو هم موافقی، این وسیله را بساز و به کمک آن مسئله را حل کن. یادت باشد وسیله‌ات را با خودت به کلاس بیاوری.

\* خوب است بدانی که می‌توانی هر یک از موارد بالا را پس از انتخاب به کمک یک یا دو نفر دیگر انجام دهی و یا در صورت تمایل به تنهایی عهده‌دار انجام آن شوی. انتخاب با توست؛ فقط با لذت انجام بده.

هر یک از گزاره‌های بالا می‌تواند با توجه به موضوع، به طرق دیگری که مبتنی بر شیوه‌های دیگر یادگیری هستند، نیز ارائه شود. در ادامه، معلم از دانش‌آموزان خود می‌خواهد که به نحوه‌ی انجام کار و نیز احساسی که در حین آن داشتند، توجه کنند و در جلسه‌ی بعد درباره‌ی آن حرف بزنند.

دانش‌آموزان در انتخاب تکالیف کاملاً آزادند و کسی برای انتخاب احتمالی نه‌چندان درست خود سرزنش نخواهد شد. در جلسه‌ی آینده، معلم به بررسی حل مسئله، یعنی هدفی که وی از انجام تکلیف از دانش‌آموزان خود داشته است، مشغول می‌شود اما در کنار این فعالیت، به مشکلاتی که دانش‌آموزان در انجام دادن تکلیف به شیوه‌ی انتخابی خود داشته‌اند و نیز توصیف احساساتشان در این مورد، توجه می‌کند. ممکن است آموزگار بخواهد تا دانش‌آموزان پس از انجام تکلیف، احساس خود

را در یک بند بنویسند، آن را نقاشی کنند و یا به شیوه‌ی دیگری به معلم ارائه دهند. در این وضعیت معلم می‌تواند در زمان رسیدگی به این بخش از تکلیف صرفه‌جویی کند و این کار را بعد از کلاس انجام دهد.

هر دانش‌آموز به‌واسطه‌ی درک و برداشت احساسی خود، که براساس مشاهدات او در جریان انجام دادن تکلیف و حتی پیش از آن در حین انتخاب تکلیف شکل گرفته است، به شناخت تازه‌ای از خویش دست پیدا می‌کند. به دیگر معنا، او از این طریق مهارت مشاهده را در خود تقویت می‌کند. همچنین، با مقایسه‌ی این حس در هر بار انتخاب خود، مهارت مقایسه را پرورش می‌دهد. او ممکن است در انتخاب شیوه‌ای برای انجام تکلیف، که به نوعی یک شیوه از یادگیری را نشان می‌دهد، متوجه علاقه‌مندی یا توانایی خاصی شود که در گذشته در خود کشف نکرده بوده است.

او براساس مقایسه، زمینه‌ی نتیجه‌گیری را فراهم می‌کند. در این چنین فعالیت‌هایی، لازمه‌ی رسیدن به نتیجه‌گیری درست، داشتن بازخوردهای پی‌درپی است. از دیگر مهارت‌هایی که این فعالیت نشانه‌گیری می‌کند، مهارت ارائه‌ی گزارش است. دانش‌آموز با طرح احساسش به هر شیوه از جمله شفاهی، کتبی و ترسیم نقاشی، مهارت ارائه‌ی گزارش را در خود تقویت می‌کند.

در این مرحله، معلم در پاسخ به احساس دانش‌آموز نسبت به شیوه‌ای که برای انجام دادن تکلیف برگزیده است، برداشت و نظر خود را که مبتنی بر شناخت از وی و نیز نتیجه‌ی به‌دست آمده از تکلیف است، با بیان یک جمله به‌صورت کتبی ابراز می‌کند؛ مانند:

\* با احساسات موافقم.

\* فکر می‌کنم بد نیست راه‌های دیگر را هم تجربه کنی.

\* ممکن است با تکرار همین شکل از تکلیف، اطمینان بیشتری درباره‌ی آن کسب

کنی.

سپس به دانش‌آموزان می‌گویند که پس از گفت‌وگو با والدین خود، از آن‌ها بخواهند مانند معلم در پایان هر تکلیف نظر خود را درباره‌ی آن به اختصار بیان کنند. هدف معلم از انجام دادن این کار، این است که دانش‌آموز با قرار دادن نظرات معلم و والدین در کنار برداشت و احساس خود، به شناخت کامل‌تر و درست‌تری از خویش دست یابد. بر این اساس، ممکن است معلم تنها چند دقیقه از کلاس خود را به این موضوع اختصاص دهد و از دانش‌آموزان بخواهد که به نوشته و نظر والدین و معلم و نیز برداشت و احساس خود توجه کنند.

در این حالت او تنها بر جلب توجه دانش‌آموزان به نتایج به‌دست آمده، تمرکز دارد و به همین سبب وارد جزئیات تک‌تک دانش‌آموزان نمی‌شود بلکه به شکلی کلی به شیوه‌ی مقایسه و نتیجه‌گیری و چگونگی تفکر و دنبال کردن گزاره‌ها در ذهن، اشاره می‌کند. به‌عنوان مثال، به دانش‌آموز می‌گوید: «وقتی احساس تو با برداشتی که معلم و والدین دارند یکی است، احتمالاً بهتر است همین شیوه را ادامه دهی اما اگر تفاوتی میان نظرات وجود دارد، خوب است شیوه‌ی جدید دیگری را هم تجربه کنی.» در این شرایط دانش‌آموزان، بیشتر به توانمندسازی مهارت تفکر و نتیجه‌گیری رهنمون می‌شوند.

بدیهی است انجام دادن چنین فعالیت‌هایی در کلاس درس و توجه معلم به این شیوه از مهارت‌ورزی دانش‌آموزان، نیازمند صرف وقت و علاقه‌مندی به تقویت تفکر پژوهشی است که ممکن است به‌دها شیوه‌ی دیگر نیز محقق شود. به همین دلیل، از کلیه‌ی دوستان و معلمان علاقه‌مند دعوت می‌شود تا با ارسال تجربه‌های خود در زمینه‌ی مهارت‌ورزی پژوهشی دانش‌آموزان، در ایجاد و ترویج شیوه‌های ساده‌ی پژوهش دانش‌آموزی سهیم شوند.